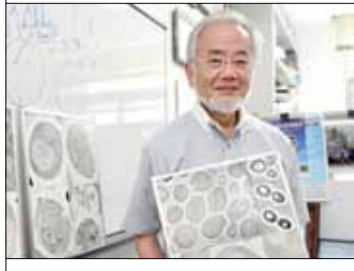


درباره توفازی و جایزه پزشک ژاپنی
**جایزه نوبل برای
زباله‌دانی سلول‌های بدن**



صفحه ۱۴

روی خط سپید

رئیس سازمان بسیج جامعه پزشکی
**طرح تحول سلامت
نباید به آفتی علیه خودش
تبدیل شود**

صفحه ۳

عطارها فقط می‌توانند مواد قید شده
در پروانه‌ها خود را عرضه کنند

**بازآموزی‌های ۴۰ ساعته
برای عطارها**

صفحه ۶

با بیژن اخوان آذری، پس از ۵۰ سال طبابت

**افتخارم جراحی
۱۰۰۰ امجروح
دفاع مقدس است**

بیژن اخوان آذری، دندانپزشک و جراح دهان، فک و صورت، رئیس سابق هیئت مدیره انجمن جراحان دهان، فک و صورت ایران، رئیس سابق هیئت مدیره انجمن دندانپزشکی ایران، رئیس دو دوره از کنگره‌های بین‌المللی انجمن دندانپزشکی ایران است و یکی از پیشکسوتان خوشنام جامعه دندانپزشکی است که پرونده درخشانی از جراحی در زمان جنگ دارد...



صفحه‌های ۸ و ۹

**احمد میر سکوت طولانی خود را شکست
و به سوالات سپید پاسخ داد**

**من قصوری
در درمان کیارستمی
نداشتم**

ما هیچ اطلاعی از روند درمان و اتفاقات در فرانسه نداریم اما شنیده‌ها حاکی از این است که سر ایشان به جایی برخورد کرده و دچار ضربه مغزی شده‌اند و به این علت فوت کرده‌اند

متأسفانه عوارض زیادی برای آقای کیارستمی پس از جراحی‌ها اتفاق افتاد، اما ما همه را درست تشخیص دادیم و درمان کردیم



صفحه ۴

بادداشت

ناگفته‌ها و ناشنیده‌های پرونده مرحوم کیارستمی!

۶) براساس نص صریح قانون، محاکمه و مجازات افراد باید براساس قانونی باشد که از قبل وضع شده است. حال سوالی که مطرح می‌شود این است اگر پزشکی بیماری را در شرایط قابل قبول و رو به بهبودی با اجازه، اطلاع و رضایت خود بیمار و اقوام درجه یک وی به پزشک دیگری با توانایی و تجربه در حد خود بسپارد آیا چنین موردی را می‌توان رها کردن بیمار و خطای پزشکی تلقی کرد؟ به راستی رای کارشناسی در این مورد براساس کدام قانون و منطق صادر شده است؟ مگر پزشک معالج مرحوم کیارستمی، ایشان را در وسط بیابان، تک و تنها و به امان خدا رها کرده است که چنین اظهارنظری در مورد وی شده است؟ بد نیست که همگان بدانند مرحوم کیارستمی در یکی از مجهزترین مراکز درمانی کشور تحت درمان بوده است و تمامی امکانات تشخیصی و درمانی روز دنیا در این مرکز موجود بوده و پزشک جایگزین نیز تمامی اقدامات درمانی لازم را برای بیمار به صورت کاملاً دقیق، علمی و به هنگام انجام داده است کما اینکه دو عمل سوم و چهارم مرحوم کیارستمی با تشخیص ایشان انجام پذیرفته، به گونه‌ای که کارشناسان محترم این پرونده هیچ خوردی به نحوه تشخیص و درمان ایشان نگرفته‌اند. آیا پزشک جراح جانشین، در اقدامات خود مرتکب قصور و کم کاری شده است؟ و آیا اگر هر جراح دیگری به جای ایشان بود کار دیگری برای بیمار انجام می‌داد؟ شاید بد نباشد که در امر اظهار نظر کارشناسان محترم به ترک بیمار توسط پزشک و اعلام قصور پزشکی در این مورد تجدیدنظری منطقی صورت گیرد و اینگونه احساسی با این پرونده برخورد نشود. ■

انضا محفوظ

تنها در یک حالت ممکن است که پزشکی برای چنین بیمار متوفایی گواهی فوت صادر کند و آن اعلام صریح و کاملاً شفاف خانواده درجه یک بیمار متوفی مبنی بر عدم شکایت نسبت به فوت بیمارشان است! آیا در مورد مرحوم کیارستمی چنین بوده است؟ و اگر چنین باشد آیا پزشکان معالج وی در ایران باید به چنین دلیلی مجازات شوند؟ حال که علت فوت مرحوم کیارستمی مشخص نیست چه کسی می‌تواند با وجدان آسوده اظهار نظر نماید که همه چیز در کشور فرانسه درست بوده است و تمام تقصیرات به گردن پزشکان ایرانی است؟ فراموش نکنیم که ما در پیشگاه خداوند هستیم و او بر تمام اعمال و رفتار ما ناظر است و روزی باید در دادگاه عدل الهی پاسخگوی نظرات و اعمال خود باشیم.

۵) سوال مهمی دیگری که باید مطرح شود و لازم است که جامعه محترم جراحی ایران به آن پاسخ دهند این است که اگر مرحوم کیارستمی، بیمار هر کدام از شما جراحان محترم این مرز و بوم بود، شما برای وی چه می‌کردید؟ و آیا اقدام دیگری جز کارهایی که برای وی انجام شده است انجام می‌دادید؟ آیا اقدام تشخیصی و درمانی دیگری بوده است که برای وی انجام نگرفته باشد؟ آیا برای عوارض ایجاد شده اقدام دیگری صورت می‌دادید؟ و سوال دیگر اینکه آیا عوارض ایجاد شده ناشی از اقدامات درمانی را باید خطای پزشکی محسوب کرد؟ و اگر چنین باشد، که باید تمامی جامعه پزشکی جهان را به جرم خطا و قصور حداقل برای ۳ ماه از فعالیت پزشکی محروم نمود!

سازمان نظام پزشکی ایران چنین امکانی برای دسترسی به پرونده مذکور ندارد و دولت فرانسه همکاری لازم را با این سازمان نداشته است باید این قسمت مهم از پرونده را کنار بگذاریم و به عبارتی صورت مسئله را پاک کنیم؟! چگونه می‌توان با خط کشیدن کامل بر روی نیمی از این پرونده در مورد آن قضاوت کرد و کدام عقل سلیمی چنین موضوعی را برمی‌تابد؟

۴) تنها عاملی که می‌توانست پرده از نیمه پنهان این پرونده بردارد کالبدگشایی مرحوم کیارستمی بود که معلوم نیست چرا مرحوم کیارستمی کالبدگشایی نشده است؟ و براساس کدام قانون برای ایشان گواهی فوت صادر شده است؟ چه کسی باعث و بانی این بی‌قانونی است؟ چرا سازمان نظام پزشکی و دادستان محترم سیستم قضایی به عنوان مدعی العموم دنبال پیگیری این امر و مجازات این فرد نیست؟ فردی که اگر این خطا را مرتکب نشده بود قطعاً پرده از بسیاری از نکات مبهم این پرونده برداشته می‌شد و شخصیت حرفه‌ای بی‌گناهی این چنین زیر سوال نمی‌رفت. لازم به ذکر است که براساس قوانین و آیین‌نامه‌های سازمان پزشکی قانونی، برای فردی که: اول؛ علت فوت وی مشخص نیست، دوم؛ فردی که در خارج از مرزهای کشور فوت شده است و حال به ایران منتقل شده است و سوم؛ فوت فردی که به دنبال آن احتمال شکایت وجود دارد. هیچ پزشکی حق صدور گواهی فوت ندارد و متوفی اجباراً باید کالبدگشایی شود. پس چرا در مورد مرحوم کیارستمی چنین نشده است و چرا برخلاف قانون عمل شده است؟

باشیم اگر بیمار ما یک فرد عادی و گمنام بود آیا همگان چنین قضاوت نمی‌کردند که چون بیمار به توصیه‌های پزشکان معالج عمل نکرده است و به مسافرت رفته است پس خود مقصر است؟ پس چرا امروز در قضاوت خود به گونه‌ای به دور از منطق عمل می‌کنیم؟ اگر مرحوم کیارستمی کشور را ترک نکرده بودند، پزشکان حافظ ایرانی و تیم مأمور شده از جانب شخص وزیر محترم بهداشت بهبودی و سلامت را به مرحوم کیارستمی باز نمی‌گرداندند؟

۳) سیر بیماری و درمان مرحوم کیارستمی دارای ۲ قسمت اساسی است یک قسمت در ایران که همه چیز به صورت شفاف برای همگان گفته شده است و یک قسمت کاملاً پنهان در پرونده که هیچ‌کس از آن خبر ندارد و شاید خانواده مرحوم کیارستمی خبر دارند و تمایلی به بازگو کردن آن ندارند؟ پاسخ این سوال هر چه باشد زمانی می‌توان قضاوتی منطقی، عقلانی و خدایستدانه در خصوص این پرونده داشت که بدانیم در فرانسه چه اتفاقی افتاده است؟ یک سری شایعات، علت فوت مرحوم کیارستمی در بیمارستان فرانسه را خونریزی مغزی اعلام کرده‌اند و گزارشات دیگر لخته شدن خون (آمبولی) و سکتة مغزی متعاقب آن را علت فوت ایشان دانسته‌اند! آیا اگر چنین امری صحت داشته باشد، علت فوت ایشان مربوط به پزشکان ایرانی است یا پزشکان فرانسوی؟ آیا پزشکان فرانسوی دانش و تجربه لازم برای پیشگیری و درمان چنین مواردی را نداشته‌اند؟ آیا نباید کادر درمانی مرحوم کیارستمی و پرونده ایشان در فرانسه مورد کند و کاو قرار گیرد؟ و اگر

بالاخره دادسرای انتظامی سازمان نظام پزشکی رای خود را در مورد پرونده مرحوم کیارستمی اعلام کرد اما در این پرونده مواردی چند وجود دارد که جزء ناگفته‌های این پرونده است که جا داشت به آنها توجه بیشتری می‌شد.

۱) بعد از دستور مقام محترم وزارت بهداشت به بسیج شدن مجرب‌ترین پزشکان این سرزمین برای درمان مرحوم کیارستمی چرا ایشان به چنین سرنوشی مبتلا شدند؟ آیا این پزشکان مجرب هم در کار خود مرتکب قصور شدند؟ اگر این چنین است باید به آموزش پزشکی در این کشور خرده گرفت که حتی بهترین و مجرب‌ترین پزشکان این مرز و بوم نیز خطا کار از آب درآمده‌اند و نتوانسته‌اند به داد بیمار برسند! (لازم به ذکر است که مرحوم کیارستمی نزدیک به ۲ ماه تحت نظر مستقیم وزیر محترم بهداشت و این گروه پزشکی بوده‌اند). یا باید علت فوت مرحوم کیارستمی را در رفتن از کشور و ناقص ماندن نظارت پزشکی لازم بر وی دانست. که مسلماً در چنین حالتی مقصر فرد یا افراد دیگری، غیر از پزشکان معالج هستند.

۲) رفتن مرحوم کیارستمی به فرانسه علی‌رغم توصیه اکید تمامی کادر درمانی برای چه بوده است؟ آیا قانوناً و اخلاقاً پزشکان معالج ایشان این اجازه را داشتند که مانع سفر او شوند؟ آیا براساس قانون و اخلاق، پزشکان معالج جز توصیه به عدم مسافرت، کار دیگری می‌توانستند بکنند؟ و آیا بیمار عاقل و بالغی چون مرحوم کیارستمی زندانی پزشکان بوده است که مانع سفر وی شوند؟ آیا منطقی نیست که وقتی بیماری توصیه‌های پزشک معالج خود را انجام ندهد، خود مقصر بروز عوارض احتمالی باشد؟ کمی انصاف داشته

«سپید»
تنهاروزنامه پزشکی خاورمیانه

برای اشتراک روزنامه سپید در تهران، شصت هزار تومان به شماره کارت ۶۲۷۴۱۲۱۱۴۰۰۷۵۶۸۰ بانک اقتصاد نوین در وجه نشریه سپید واریز و شماره فیش واریزی را به همراه آدرس به تلفن ۹-۲۲۸۸۷۳۵۷ اعلام نمایید.

این هزینه اشتراک سه ماهه فقط در تهران می‌باشد.
ارسال روزنامه هر روز صبح با پیک انجام می‌شود.

@sepidonline | www.sepidonline.ir | @sepidonline